

اکبر آقا، اکتور صدا



اگر فردی ۲۰ سال به سبک خود حرف بزند، همان می‌ماند؛ گوینده، مانند جراح مغز است، یک جراح مغز جفتقدر باید تخصص ببیند تا بتواند مویرگ‌های مغز را پیدا کند. یک شکسته بند نمی‌تولند، جراح مغز باشد، این اتفاقی است که در گویندگی ایران افتاده است. گروه دیپلاژ باید به شکل زنجیره به یک‌دیگر متصل باشند و همه باید یک‌دست عمل کنند. در یک گفتگوی ساده می‌توان فهمید، که او صدایی خاص، از جنسی همگانی دارد، و همین رمز موفقیت او شده تا بتواند به جای نقش‌های زیادی حرف بزند. اما همه چیز برای او به سادگی یک حرف زدن نیست، او با صدای اش شخصیت می‌سازد و برای هر نقش صدایی را می‌تولد می‌کند که نامیراست. آوایی که حتی پس از پایان فیلم در گوش ما جریان دارد. جانی که به صدای می‌بخشد بر گرفته از خلق لحن‌ها و آهنگی است که به جنس صدای اش می‌دهد.

منانی، در اوایل انقلاب در زیبا کنار، اولین کلاس گویندگی را برگزار کرد، این کلاس بیش از ۱۲۰ الی ۱۳۰ هنرجو داشت. و خوشحال است که حرفه‌اش، میان او و مردم فاصله‌ای ایجاد نکرده است. و می‌تواند مانند یک آدم معمولی در جامعه میان مردم زندگی کند، و تنها کسانی او را می‌شناسند که در این حرفه هستند، و همان گونه که در تمام طول زندگی اش به دنبال ثروت نبوده است و هنر را برای هنر می‌خواست، شهرت را هم برای هنرمندمانع در جهت آزادی می‌داند.

عطاءالله کاملی، دوبله اثر «پوارو» را به او پیشنهاد داد، منلی تولست با اضافه کردن ظرافت‌های زیادی در ویژگی‌های بیانی و کلامی این شخصیت، او را به نقشی ماندگار با صدای خاص بدل کند که تحسین مدیران مسئولین شبکه را در پی داشت و کلمی، به خاطر دوبله «پوارو» به اول لقب اکبر آقا، اکتور صدا را داد و منانی را در دوبله اکتور دانست، اکتوری که دیگر مثل او ندارند.

اکبر منانی، اولین منبع مدون تاریخ دوبله ایران را با نام «سرگذشت دوبله ایران و صداهای ماندگار» در سال ۱۳۸۸ نوشت. این اثر که نگارش آن ۱۷ سال به طول انجامیده به چگونگی، چرایی و زمان ورود دوبله به ایران می‌پردازد. او همچنین کتاب فن بیان و گویندگی در صدا و سیمارادرسال ۱۳۷۵ نگاشته و کتاب الفبای فن بیان (گویندگی، دوبله و گزارشگری) را در سال ۱۳۹۹ منتشر کرده است.

به جرات می‌توان گفت او از معدود هنرمندان ماندگار ایران است که رسالت هنری خود را تمام و کمال به انجام رسانده‌اند.

سمیه نجفی خاتونی - در نوجوانی متولد شد، وقتی روی سکوی مدرسه اولین هنر نمایشی خود را اجرا کرد، مدیر مدرسه نتوانست از هنر او چشم‌پوشد و او را به سمت گویندگی و هنر اجرا معرفی اش به ارحام صدر، سوق داد. پسری که آخرین فرزند خانواده منانی، پس از تولد شش فرزند بود، او در تیرماه، سال ۱۳۱۸ در خانواده‌ای مذهبی در حومه اصفهان متولد شد. و هیچ وقت فکرش را نمی‌کرد، که قرار است در استودیوهای هنری یک زندگی ابدی و بدون استراحت داشته باشد. اکبر وقتی دیگر برایش مبرزشد، از نعمت صدایی بر نفوذ بر خوردار است، زندگی اش را شبانه روزی و یک تنه صرف بهره‌وری از این معدن خدادادی و غنی کرد. او سابقه زمانی هفتاد سال تجربه هنری اش را در برابر عمری که در این راه صرف کرده تا متقارن می‌داند، او معتقد است کارهای او مقارن سال‌هایی خیلی بیش از این مقدارند، اکبر، پس از آن که دیپلم اش را گرفت از اصفهان راهی تهران شد، قبل از آن تجربه‌های کوتاهی در اجرای نمایش در اصفهان داشت، بیشترین خطرهای که از زمان ورودش در بیست سلگی به تهران در ذهن او بر جای مانده، لحظات طولانی است که در مقابل ساختمان رادیو می‌ایستاده، اما به او اجازه ورود به ساختمانی که بعدها خانه اصلی او شد را نمی‌داند. تا این که بعد از مدتی اعلام شد که رادیو گوینده می‌خواهد، یک صف طولانی ۲۰ یا ۳۰ هزار نفری برای امتحان دور تا دور ساختمان کشیده شد، صفی که در انتها قرار بود یک زن و یک مرد از میان آن‌ها برای گویندگی انتخاب کنند، مصاحبه‌کنندگان بسیار سخت‌گیر بودند، هر کسی وارد استودیو می‌شد، به او اجازه خواندن بیش از یک جمله کوتاه را نمی‌دادند، اما همین که اکبر، شروع به خواندن کرد، از او خولستند ادامه بدهد، و او ادامه داد تا به اکنون، او در این آزمون قبول شد و بعد از مدتی در اولین برنامه به یاد منلی خود راه‌شد، گویندگی کرد. پس از آن وقتی که هنوز معنی دوبله را نمی‌دانست، همراه با دوستانش برای تست دوبله به استودیو البرز در خیابان اریاب جمشید رفت و بعد از گفتن چند خط دیالوگ منوچهر نوذری، به او گفت تویمان و از تعدادی که آمده بودند فقط او ماند، ماند و ادامه داد. او آنقدر سخت مشغول به کار شد که مجبور شد از دانشگاه و رشته کارگر دانی، انصراف دهد. او زمان زیادی را برای پرورش این استعداد ذاتی گذاشت، وقتی متوجه شد که بیانش گویا نیست و درست نمی‌تواند کلمات را ادا کند، سه سال تمام از عمرش را الفبا تمرین کرد. او معتقد است؛ گویندگی را باید از کودکی یاد گرفت برای این که



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله منلی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰ ۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

مردی که با صدای اش شخصیت می‌سازد

برایش مهم نیست تا مقصد جقدر راه دارد، او همیشه در مسیر است، منانی از کسانی است که همیشه شنیده شده است. او در گوش مخاطب جا خوش کرده و سادگی و بی‌پیرایگی او در قامت هنرمندی با این همه سابقه درخشان غیر قابل تصور است. او با صدایی از جنس زندگی، هنرش را بدون چشم‌داشت پیشکش لحظه لحظه‌های ما می‌کند تا برای ما با راه‌شد، شبی آرام بسازد. در پوارو، ما را باطن‌سازی به دالان‌های تاریک حل یک معمابیرد، و در یک بعد از ظهر خسته با ملوان زبل، حسنی کودکنه را در ما زنده نگه دارد. او بی‌شک همیشه همه جا بوده است، چرا که همه زندگی اش در پشت دری بسته، پشت یک میکروفون و استودیوهای ضبط صدای رادیو و تلویزیون گذشته است. او خودش است و در جای خودش ایستاده او اکبر منلی؛ آقا اکبر اکتور صداست.

در مستند سیاره ما، صدای اش به ابهت کهکشانی در دل آسمان می‌شود و همان صدا در نقش لورل، جنسی از خنگ مزه‌گی و آسوده خیلی را می‌دهد. در صبح جمعه با شما؛ هم ردیف مثلث هنری منوچهر خان نوذری، والی زاده و آذری می‌درخشید و باب خنده و تفریح را در آغاز یک روز تعطیل برای ایرانیان فراهم می‌کرد، برای منانی فرقی نداشت که در بر گه دیالوگ نقش‌ها چه نوشته شده است او به چشم‌های شخصیت نگاه می‌کند و صدایی می‌سازد که عجیب با چشمان شخصیت سازگار است. کارتون اصلی زبل خان، هیچ دیالوگی ندارد و او به خاطر علاقه‌ای که به این کاراکتر داشت درباره آن فکر کرد و گفت: وقتی دیدم زبل خان، این طرف و آن طرف می‌پرد گفتم اسم آن زبل خان باشد و شد. زبل خان این جا، زبل خان آن جا و زبل خان همه جا. نقش‌هایی که او تا به حال گفته از چنان تنوعی در نوع کارکرد بر خورد دارند، که وقعاعتمی توان گفت صدای اکبر خان به چه می‌ماند، او یک صدای پیشه‌هزار نقش و توانمند است.



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir